



@fosselat

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع

مقتل غلام ترکی [شهید خندان کربلا]

تهیه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی

گر طیسانه سیاهی به سر بیاوریم
به دو عالم ندم لذت بیماری را

رجز خوانی غلام ترکی (أَسْلَمُ بْنُ عَصْرٍ)



@fosselat

وی از نژاد ترک و خادم و کاتب امام حسین (ع) بود ،
و با زبان عربی آشنایی داشت ، از امام اذن گرفت و به میدان رهسپار شد
و در حالی که این گونه رجز می خواند :

الْبَحْرُ مِنْ ضَرْبِي وَطَعْنِي يَصْطَلِي * وَالْجَوْ مِنْ سَهْمِي وَ نَبْلِي يَمْتَلِي

از ضربت شمشیر و نیزه ام دریا شعله ور می شود و فضا از نیزه ها و
تیرهایم پر می گردد .

إِذَا حُسَامِي فِي يَمِينِي يَنْجَلِي * يَنْشَقُّ قَلْبُ الْحَاسِدِ الْمُبْجَلِي

هنگامی که شمشیرم در دست راستم به گردش در آید ، قلب حسود
پاره می شود.



@fosselat

مقتل غلام ترکی

۲

ثم خرج غلامِ ترکی اسمه اسلم بن عمرو و مولی الحسین (ع) و کان قارئاً للقرآن، عارفاً بالعربیّه، فقتل جماعه، فتحاشوه فصرعوه، فجاءه الحسین (علیه السلام) و بکی و وضع خده علی خده، ففتح عینیه و رآه. فتبسّم و قال : من مثلی و ابن رسول الله واضع خده علی خدی؟! ثم فاضت نفسه الطاهره .

سپس نوجوانی ترک به نام اسلم بن عمرو (غلام آزاد شده حسین (ع)) که قاری قرآن و عربی دان بود ، به میدان آمد و گروهی را کشت . آنان از گرد او پراکنده شدند تا او را به زمین زدند . امام حسین (ع) به کنار او آمد و گریست و صورتش را بر صورت او گذاشت . غلام چشمانش را باز کرد و چون امام را دید ، لبخند زد گفت : چه کسی چون من است که پسر رسول الله (ص) گونه بر گونه اش گذاشته باشد ؟ سپس روح پاکش به آسمان پر کشید .